صفحه‌آرا: مهرداد هاشمیان

نگاه

کارنامه‌ای که در یک قالب نمی‌گنجد

رضا امیرخانی در طول ۳دهه فعالیت ادبی، تنها رمان‌نویس نماند. داستان، جستار، سفرنامه و تجربه‌های روایی گوناگون، هریک بخشی از کارنامه او را شکل دادند. آثارش به زبان‌های مختلف ترجمه شدند و در فضای ادبی ایران نیز همواره محل گفت‌وگو و داوری بودند. او مدتی ریاست هیأت‌مدیره انجمن قلم ایران را برعهده گرفت و در کنار نوشتن، در مباحث فرهنگی و اجتماعی نیز حضوری فعال داشت. شاید مهم‌ترین ویژگی کارنامه امیرخانی همین ناآرامی و تنوع باشد؛ نپذیرفتن یک مسیر ثابت و بازگشت مداوم به پرسش‌هایی که پاسخ ساده‌ای ندارند. او از تهران قدیم نوشت، سراغ مهاجرت رفت، جوانمردی را به داستان آورد، مناسبات نفتی را نقد کرد و در سفرهایش کوشید جهان را از نزدیک ببیند و روایت کند.

زبان؛ امضای یک نویسنده

در میان همه ویژگی‌های آثار امیرخانی، زبان جایگاهی ویژه دارد. او به ظرفیت‌های کمتر استفاده‌شده زبان فارسی علاقه نشان می‌داد؛ از بازی‌های واژگانی و ترکیب‌سازی گرفته تا بهره‌گیری از زبان محاوره و تغییر در ضرباهنگ جمله‌ها. نثر او گاه به‌عمد از مسیر هموار و متعارف خارج می‌شود و خواننده را وامی‌دارد که با دقت بیشتری در متن حرکت کند. این ویژگی البته همواره با تحسین روبه‌رو نبوده است. برخی منتقدان، بازی‌های زبانی او را گاه بیش‌ازاندازه برجسته و حتی بر متن داستان غالب دانسته‌اند؛ در مقابل، گروهی همین تجربه‌گرایی را از عوامل تشخص قلم او شمرده‌اند. فارغ از این داوری‌ها نمی‌توان انکار کرد که امیرخانی برای زبان نقشی فراتر از انتقال معنا قائل بود.

از رمان تا جستار؛ عبور از مرزهای داستان

بخش مهمی از کارنامه امیرخانی را باید بیرون از قلمرو داستان جست‌وجو کرد. او در کتاب‌هایی چون «نشت نشا» و «نفحات نفت» سراغ مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی رفت. در این آثار نویسنده‌ای را می‌بینیم که می‌خواهد از محدوده روایت شخصیت‌های خیالی فراتر برود و مستقیما با واقعیت‌های جامعه درگیر شود. «نشت نشا» به مسئله آموزش و مهاجرت نخبگان می‌پردازد و «نفحات نفت» مناسبات جامعه و اقتصاد نفتی را به نقد می‌کشد. نفت در نگاه نویسنده تنها یک منبع درآمد نیست؛ پدیده‌ای است که بر شیوه مدیریت، تصمیم‌گیری و حتی ذهنیت اجتماعی اثر می‌گذارد. نثر صریح و آمیخته به طنز او در این کتاب‌ها، به نوشته‌ها حال‌وهوایی متفاوت با آثار داستانی‌اش می‌دهد.



«پروفسور حسابی» در بازار نشر

کتاب «پروفسور حسابی» نوشته سیدمحمد مهاجرانی با تصویرگری سعید شمس، به‌عنوان سی‌وششمین جلد مجموعه «قهرمان من» از سوی نشر کتابک منتشر شد. این اثر داستانی با روایت زندگی سیدمحمود حسابی، فیزیکدان برجسته ایرانی، کودکان و نوجوانان را با اهمیت دانش‌اندوزی، کنجکاوی و پشتکار آشنا می‌کند.



دباشی برنده جایزه کتاب فلسطین شد

برگزیدگان پانزدهمین دوره جوایز کتاب فلسطین در لندن معرفی شدند. حمید دباشی، نویسنده و استاد ایرانی‌آمریکایی دانشگاه کلمبیا، زاده اهواز، برای کتاب «پس از توحش: نسل‌کشی غزه و توهم تمدن غربی» جایزه تأثیر جهانی را دریافت کرد. در این دوره ۶ اثر تقدیر شدند.

از «منِ او» تا جهان او

نگاهی به کارنامه رضا امیرخانی که با نثری بازیگوش روایت‌هایی تجربه‌گرا و شخصیت‌هایی جست‌وجوگر، جای خود را در ادبیات معاصر ایران باز کرد

گزارش

گروه فرهنگ‌شهر | رضا امیرخانی از نویسندگانی بود که نمی‌شد او را تنها با چند عنوان کتاب یا یک رمان مشهور به یاد آورد. او در طول ۳دهه نوشتن، از داستان‌نویسی به جستارنویسی رسید، از رمان به سفرنامه رفت، از تهران به کابل و از روایت آدم‌های آشنا به تجربه زیستن در جغرافیاهایی دوردست. با این‌همه، در پس این تنوع، رشته‌ای نامرئی آثارش را به یکدیگر پیوند می‌داد: میل به کشف، تجربه و به پرسش گرفتن جهان پیرامون؛ جهانی که در آن انسان همواره میان آنچه به ارث برده و آنچه می‌خواهد باشد، در رفت‌وآمد است. امیرخانی (۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۲ ـ ۲ آذر ۱۴۰۵) دانش‌آموخته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف، از دهه ۷۰ وارد عرصه ادبیات شد. جمله‌ها در آثار او گاه بازیگوش، پرشتاب و گاه آکنده از ارجاعات تاریخی‌اند. همین ویژگی، در کنار شخصیت‌های متفاوت و جست‌وجوگر، به نوشته‌هایش تشخصی بخشید که در میان مخاطبان ادبیات داستانی به‌سرعت شناخته شد.

«منِ او»؛ بازگشت به شهری که دیگر نیست



اگر قرار باشد در میان آثار امیرخانی به‌دنبال کتابی بگردیم که بیش از همه با نام او گره خورده باشد، بی‌تردید «منِ او» یکی از نخستین انتخاب‌هاست. این رمان که در سال ۱۳۷۸ منتشر شد، نقطه‌عطفی در کارنامه نویسنده به شمار می‌رود؛ اثری که با استقبال گسترده مخاطبان روبه‌رو شد و جایگاه او را در ادبیات داستانی معاصر تثبیت کرد. «منِ او» تنها داستان یک عشق نیست؛ روایت شهری است که در لایه‌های خاطره و تاریخ آن شیوه‌ای از زندگی جریان دارد که به‌تدریج از دست می‌رود. تهران قدیم در این رمان پس‌زمینه‌ای برای وقوع حوادث نیست؛ یکی از شخصیت‌های اصلی داستان است. خانه‌ها، محله‌ها، روابط خانوادگی، آیین‌ها و مناسبات اجتماعی، همگی در ساختن فضای اثر سهم دارند.

سفرنامه؛ جهان به مثابه متن خواندنی



امیرخانی در سفرنامه‌هایش نیز همان روحیه جست‌وجوگر را حفظ می‌کند. «داستان سیستان؛ ۱۰ روز با رهبر» و «جانستان کابلستان» از مهم‌ترین تجربه‌های او در این حوزه‌اند. در این آثار، سفر تنها بهانه‌ای برای گزارش دیدنی‌ها نیست؛ فرصتی است برای مشاهده مناسبات انسانی، فرهنگی و تاریخی. «جانستان کابلستان» به‌ویژه از این منظر اهمیت دارد که افغانستان را در پیوند با حافظه تاریخی و فرهنگی ایران روایت می‌کند. نویسنده در مواجهه با این سرزمین، از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌رود و به اشتراک‌های زبانی، تاریخی و فرهنگی ۲ملت توجه می‌کند. «تیم‌دانگ پیونگ‌یانگ» نیز پنجره‌ای به جامعه‌ای متفاوت می‌گشاید؛ جغرافیایی که برای بسیاری از خوانندگان ناشناخته است و نویسنده می‌کوشد آن را از خلال مشاهده و تجربه شخصی بازنمایی کند.

«ارمیا» آغاز یک جست‌وجو

نخستین رمان امیرخانی، «ارمیا» در سال ۱۳۷۴ منتشر شد؛ داستان جوانی که تجربه جنگ و بازگشت از جبهه، او را با پرسش‌هایی بنیادین درباره ایمان، زندگی و نسبت آرمان با واقعیت روبه‌رو می‌کند. ارمیا شخصیتی است که نمی‌تواند به‌آسانی خود را با مناسبات عادی زندگی سازگار کند. او از جهانی بازگشته که در آن بسیاری از ارزش‌ها معنایی روشن داشتند، اما در جهان تازه، همان ارزش‌ها در معرض آزمون قرار می‌گیرند. این کشمکش یکی از بن‌مایه‌های ماندگار آثار امیرخانی شد: فاصله میان آرمان و واقعیت، میان باور و تجربه و میان تصویری که انسان از خود دارد و آنچه زندگی از او می‌سازد.

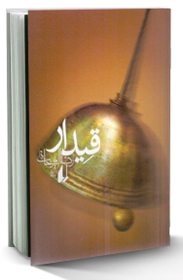


«بیوتن»؛ غربت در دو سوی جهان



در «بیوتن» امیرخانی بار دیگر سراغ ارمیا می‌رود، اما این بار او را از فضای آشنای ایران بیرون می‌برد و در برابر جهانی متفاوت قرار می‌دهد. مهاجرت، مواجهه با فرهنگ غرب، بحران تعلق و نسبت ایمان با زندگی مدرن، محورهای اصلی این رمان‌اند. «بیوتن» را می‌توان روایتی درباره غربت دانست؛ غربتی که الزاما از دوری جغرافیایی پدید نمی‌آید، بلکه گاه در میانه جمعیت و در قلب یک جامعه نیز گریبان انسان را می‌گیرد. ارمیا در این جهان تازه ناچار است بار دیگر خود و باورهایش را بشناسد. نویسنده نیز برای بازنمایی این وضعیت به ساختار روایی و زبانی متفاوتی روی می‌آورد. شکست نظم متعارف روایت و بازی با فرم در اینجا تنها تمهیدی تزیینی نیست؛ با آشفتگی و چندپارگی تجربه شخصیت اصلی تناسب دارد.

«قیدار»؛ مرام در برابر مناسبات روزگار



«قیدار» بازگشت امیرخانی به جهان اخلاق و فضیلت‌های سنتی است اما این بار نه در قالب خاطره‌ای از گذشته، بلکه در هیأت شخصیتی که می‌کوشد مرام و جوانمردی را در مناسبات زندگی معاصر معنا کند. قیدار مردی برخوردار از اعتبار و اقتدار است اما آنچه شخصیت او را شکل می‌دهد، بیش از ثروت و موقعیت اجتماعی، منش و پایبندی به اصول اخلاقی است. امیرخانی در این رمان سراغ مفهومی می‌رود که در فرهنگ ایرانی پیشینه‌ای دیرپا دارد: جوانمردی. در جهان «قیدار»، اعتبار آدمی به آن چیزی نیست که در اختیار دارد، بلکه به نحوه مواجهه‌اش با دیگران و مسئولیتی وابسته است که در برابر آنان می‌پذیرد.

«ره‌ش»؛ شهرسازی مسئله انسانی

با «ره‌ش» تهران بار دیگر به یکی از موضوعات اصلی نویسنده تبدیل می‌شود اما این بار نه تهران خاطره‌انگیز «منِ او»، بلکه شهری گرفتار ساخت‌وسازهای بی‌وقفه، مناسبات اقتصادی و توسعه‌ای که گاه انسان را از حق طبیعی خود برای زیستن محروم می‌کند. امیرخانی در این رمان، شهرسازی را از موضوعی تخصصی به مسئله‌ای انسانی و اجتماعی تبدیل می‌کند. خانه و محله، فضای عمومی و حق برخورداری از آرامش، در متن داستان به پرسش‌هایی درباره معنای توسعه و نسبت آن با کیفیت زندگی بدل می‌شوند. «ره‌ش» در سال ۱۳۹۷ برگزیده جایزه ادبی جلال آل‌احمد شد و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران را نیز دریافت کرد.

صفحه‌آرا: بهروز قلی‌پور

تلویزیون



پخش آخرین یادگار اکبر عبدی

سریال طنز «ماه عسل» با بازی زنده‌یاد اکبر عبدی و قدرت‌الله ایزدی و به کارگردانی منوچهر هادی به‌زودی روی آنتن شبکه ۳ سیما می‌رود. یک سفر زیارتی که قرار بود با هواپیما انجام شود، با یک اتوبوس قدیمی و کلی ماجرای پیش‌بینی‌نشده گره می‌خورد؛ این قصه سریال طنز «ماه عسل» است که به‌زودی روی آنتن شبکه ۳ می‌رود.

خبر

دوبله «ادیسه» نولان



فیلم سینمایی «ادیسه» به کارگردانی کریستوفر نولان با حضور جمعی از گویندگان مطرح دوبله در یکی از پلتفرم‌های نمایش خانگی منتشر شد. افشین زینوری در نقش ادیسه، سعید شیخ‌زاده در نقش تلماخوس، کسری کیانی در نقش آنتینوس، فریبا رمضان‌پور در نقش کالیپسو، نرگس فولادوند در نقش پنه‌لوپه، امیرمحمد صمصامی در نقش سینون، رضا آفتابی در نقش اوریلوخوس، همت مومیوند در نقش اومائوس، کتایون اعظمی در نقش سیرسی، سیما رستگاران در نقش هلن، محمد فصیحی‌نیا در نقش پادشاه، علیرضا اوحدی در نقش آگاممنون، ازجمله گویندگان این اثر هستند.

صابر ابر در «مینی‌سیتی»



رامتین لوافی که این روزها قسمت‌های پایانی سریال «کنکل» را در حال پخش دارد، با سریال «مینی‌سیتی» و داستانی اجتماعی به نمایش خانگی می‌آید. سریال «مینی‌سیتی» با بازی صابر ابر، هانیه توسلی، پدرام شریفی، مهتاب ثروتی، پانته‌آپناهی‌ها، مائده طهماسبی و ونوس کانلی در مراحل پایانی ساخت است.

فردا آخرین فرصت ثبت‌نام آثار در جشنواره فیلم فجر

ثبت‌نام آثار برای حضور در چهل و پنجمین جشنواره ملی فیلم فجر تا فردا، چهارشنبه ۴ آذر ۱۴۰۵ ادامه دارد. فیلمسازان می‌توانند آثار خود را در بخش‌های «سودای سیمرغ»، «نگاه نو»، «سینمای مستند» و «فیلم کوتاه داستانی» از طریق سایت جشنواره ثبت کنند.

مرد قصه‌ها عاشق سینما

نسبت زنده‌یاد رضا امیرخانی که دیروز آخرین قصه‌اش را نوشت با سینمای ایران چه بود؟

گزارش

گروه ۲۴ | رضا امیرخانی که دیروز آخرین قصه‌اش را تمام کرد، جز ادبیات که مشغله و زندگی‌اش بود به سینما هم علاقه داشت. نویسنده «من او» دوستدار حاتمی‌کیا، ستایشگر «یه حبه قند» رضا میرکریمی و شیفته جهان مردانه مسعود کیمیایی بود؛ نویسنده‌ای که خودش می‌گفت رمان «قیدار» را نوشته تا حاتمی‌کیا فیلمش کند ولی خیلی‌ها- ازجمله خود حاتمی‌کیا- در آن حال و هوای کیمیایی‌وار می‌یافتند. رضا امیرخانی که دیروز تنهایمان گذاشت، چند فیلم و چند فیلمساز را بسیار دوست داشت و عجیب است که هیچ‌کدام از رمان‌های امیرخانی به تصویر کشیده نشد.

امیرخانی، فیلمنامه‌نویس و فیلمساز یا حتی فیلم‌بین حرفه‌ای نبود اما به قول خودش فیلم‌بین ذوقی بود و این علاقه به سینما باعث شد هرچند باز به گفته خودش، صاحب تخصص سینمایی نبود، درباره برخی فیلم‌ها و کارگردان‌ها اظهارنظر کند.



فیلم‌های نساخته کیمیایی را هم دوست دارم

من مسعود کیمیایی را دوست دارم. فیلم‌هایش را هم دوست دارم، حتی فیلم‌هایی را که هنوز نساخته هم دوست دارم. به‌نظر من کیمیایی بخشی از فرهنگ ما را راهبری می‌کند و یک قسمت از شناخت انسان ایرانی در دست کیمیایی است.

«به وقت شام» ابراهیم حاتمی‌کیا



«به وقت شام» جزو فیلم‌های تبلیغی محسوب می‌شود و خوشحالم از اینکه با یک فیلم اکشن روبه‌رو هستیم که به راحتی می‌توان آن را در دنیا نمایش داد.

بخشی از آنچه آدم از آقای حاتمی‌کیا انتظار دارد تکنیک است و قسمتی حرف فیلم. هنوز می‌توان در فیلم‌های حاتمی‌کیا، حاتمی‌کیا را دید. به‌نظرم این ارجمندترین قسمت فیلم بود.

«خروج» ابراهیم حاتمی‌کیا



در فیلم آقای حاتمی‌کیا به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین اتفاقات این است که نشان می‌دهد مجرایی برای اعتراض وجود ندارد. فیلم آقای حاتمی‌کیا الگوی خیلی ساده جامعه‌شناختی است که بارها آن را می‌بینیم. «خروج» را نباید در دل یک دولت ببینیم که مربوط به این دولت یا دولت بعدی است، حتی نباید در شاخه کوچکی از حکومت دید. این کل حکومت را برای ما باز می‌کند و نشان می‌دهد یک اعتراض ساده هیچ‌چاره‌ای ندارد جز اینکه به سخت‌ترین شکل بیان شود و معمولا هم به نتیجه نمی‌رسد. «خروج» فیلم بدی نیست. من دوستش داشتم: حاتمی‌کیا یکی از ارجمندترین ویژگی‌هایش این است که می‌داند مردم دنبال چه هستند.

درباره ساخت رمان «قیدار» توسط حاتمی‌کیا

راستش را بخواهید «قیدار» را برای آقای حاتمی‌کیا نوشتم. برای همین کار چندان مطلوبی از نظر خودم نیست، چون کار سینمایی است و صحنه زیاد دارد. وقتی ابراهیم آن را خواند، گفت: «این برای کیمیاییه، چیه تو نوشتی؟» آنجا فهمیدم اینها چقدر لج هستند. خیلی بامزه بود برای من که مثلا خودم را اندازه آقاابراهیم انقلابی می‌دانستم ولی دیدم نسل من باز تفاوت دارد؛ یعنی نسل من می‌تواند با کیمیایی گفت‌وگو داشته باشد ولی نسل حاتمی‌کیا نه.

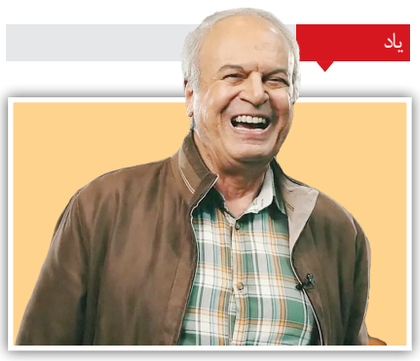
«یک حبه قند» رضا میرکریمی



این اثر را یک اثر کاملا ایرانی می‌دانم؛ شبیه‌ترین اثر به فرش ایرانی. فرش ایرانی اولا هیچ فضای خالی ندارد. کوچک‌ترین نقش‌ها، کوچک‌ترین فضاهای خالی را پر می‌کنند. دوم آنکه نقش‌های فرش به هم فخرفروشی نمی‌کنند و هیچ‌کدام اهمیت پیشینی و پسینی بر یکدیگر ندارند. سوم اینکه با فرش زندگی می‌کنیم و آن را زیر پا می‌اندازیم. نه اینکه مثل تابلو سر دست بگیریم و نگاهش کنیم و اصلا به همین دلیل است که نقش فرش ایرانی ماندگار می‌شود و مؤثر.

این فیلم می‌تواند ۲ ساعت مخاطب را در فضایی آرام و هویت‌گرا غرق کند و مهم‌تر از همه به مخاطب بیاموزد که داوری‌ها را پیش داور بیندازد و از سینما لذت ببرد. حیف است مخاطب ایرانی این فیلم را نبیند.

یاد



خداحافظ آقای خنده

درگذشت ناگهانی غلامرضا نیکخواه علاقمندان سینما را شوکه کرد



تست گریم آخرین نقش آفرینی در فصل پنجم «زیرخاکی»

غلامرضا نیکخواه، بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون که در سال‌های اخیر در آثار کمدی و رئالیتی‌شوهای مختلف حضور داشت، روز گذشته، دوشنبه دوم آذر بر اثر سکته قلبی درگذشت.

غلامرضا نیکخواه که در پی درگذشت برادرش به شیراز رفته بود در مراسم تشییع دچار ایست قلبی شد و از دنیا رفت. او متولد اول فروردین ۱۳۲۷ و دانش‌آموخته رشته علوم سیاسی بود. کار بازیگری را با ایفای نقشی در تئاتر در سال ۱۳۴۵ در زادگاهش بوشهر آغاز و سپس در سال ۱۳۶۷ با یک نقش کوتاه در تلویزیون نیز بازی کرد. زنده‌یاد نیکخواه در همکاری با رضا عطاران و مهران مدیری و بازی در سریال‌های طنزی چون «نوروز ۷۲»، «پرواز ۵۷»، «بزنگاه»، «مرد هزارچهره» و همچنین حضور در رئالیتی‌شوی جوکر به شهرت رسید.

«ناپلئون در باغ زردآلو»، «خانوم والده»، «آقای زالو»، «قسطنطنیه»، «آنتیک»، «جزایر قناری»، «هتل»، «قیف»، «بخارست»، «فسیل»، «رحمان ۱۴۰۰»، «آینه‌بغل»، «طهران تهران» و «خواب‌فروش» ازجمله آثار سینمایی نیکخواه است. مراسم تشییع زنده یاد غلامرضا نیکخواه، چهارشنبه ۴ آذرماه ساعت ۱۰ صبح در قطعه هنرمندان بهشت زهرا برگزار خواهد شد.